

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این اثر ترجمه‌ای است از:

**Inventing the Market**  
Smith, Hegel, and Political Theory

Lisa Herzog

Oxford University Press, 2013

# اختراع بازار

اسمیت، هگل و فلسفہ سیاسی

لیزا ہرتسک



ترجمہ مصطفی زالی

# عنوان اختراع بازار اسمیت، هگل و فلسفه سیاسی

نویسنده لیزا هرتشک  
مترجم مصطفی زالی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)  
ناشر ترجمان علوم انسانی  
ویراستار علیرضا شفیعی نسب  
طراح جلد صادق رهبری  
صفحه‌آرا معصومه کریمی  
نمونه‌خوان فاطمه اکبرزاده  
چاپ زیتون  
نوبت چاپ اول، ۱۴۰۳  
شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

سرشناسه هرتشک، لیزا، ۱۹۸۳-م. Herzog, Lisa 1983  
عنوان و نام پدیدآور اختراع بازار: اسمیت، هگل و فلسفه سیاسی/لیزا هرتشک؛ ترجمه مصطفی زالی.

مشخصات نشر تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری ۳۴۴ ص.: جدول؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.  
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۳۴-۴۲-۵  
رده بندی کنگره HB۱۶۱  
رده بندی دیویی ۰۱/۳۸۱  
شماره کتابشناسی ملی ۹۳۸۴۱۱۲

tarjoman.nashr@gmail.com  
www.tarjomaan.shop

پست الکترونیکی  
فروشگاه اینترنتی

حقوق چاپ و نشر در تمام قالب‌ها اعم از کاغذی، الکترونیکی و صوتی انحصاراً برای انتشارات ترجمان علوم انسانی محفوظ است.  
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.





لیزاهرتسک دانشیار دانشکده فلسفه و مرکز فلسفه، سیاست و اقتصاد دانشگاه  
خرونینگن است. او در دانشگاه‌های مونیخ و آکسفورد در رشته‌های فلسفه،  
اقتصاد، علوم سیاسی و تاریخ مدرن تحصیل کرده است. مباحث کتاب حاضر برگرفته  
از پایان‌نامه دکترای اوست که طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ در دانشگاه آکسفورد نوشته  
است. از آن زمان، او در دانشگاه‌های سنت گالن، لوون، فرانکفورت، استنفورد و دانشگاه  
فی مونیخ فعالیت داشته است. حوزه علایق فکری او فلسفه سیاسی و اقتصاد، تاریخ  
ایده‌های سیاسی و اقتصادی، مسائل هنجاری پیرامون بازارها (به ویژه بازارهای  
مالی)، اخلاق در سازمان‌ها، و معرفت‌شناسی سیاسی را در بر می‌گیرد. از دیگر  
کتاب‌های او می‌توان به بازبایی سیستم: مسئولیت اخلاقی، تقسیم کار، و  
نقش سازمان‌ها در جامعه (*Reclaiming the System*) (۲۰۱۸) و دانش  
شهروندی: بازارها، کارشناسان و زیرساخت‌های دمکراسی  
(*Citizen Knowledge*) (۲۰۲۳) اشاره کرد.

علت جذابیت کتاب در رویکرد فلسفی نویسنده نهفته است، رویکردی که برخلاف روال امروزی بحث‌های حوزه اقتصاد نظری است... اختراع بازاری تردید پژوهشی عالی است و جوایز متعددی که هرتسک برای این کتاب دریافت کرده نیز گواه همین نکته است.



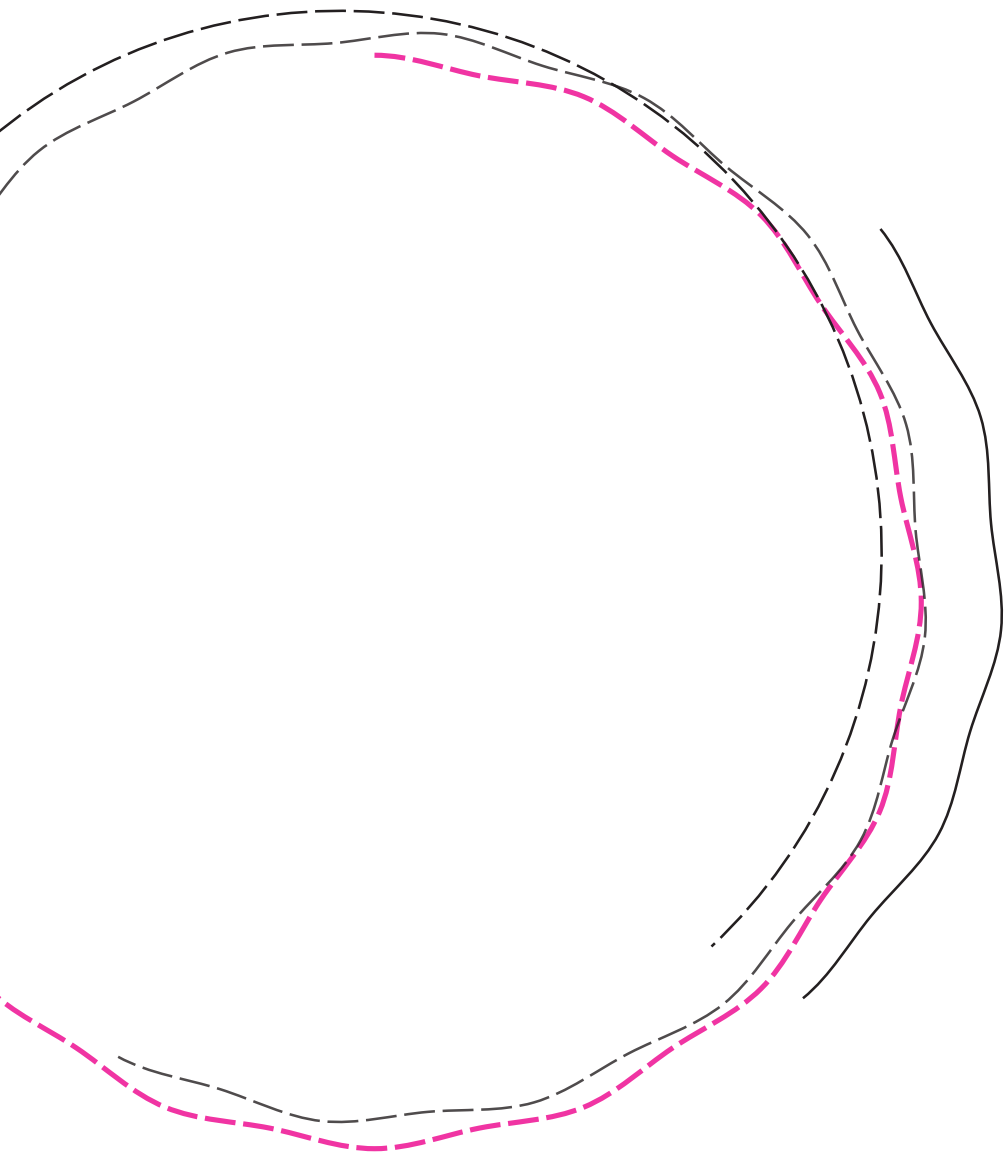
*The LSE  
Review of  
Books*

هرتسک در سرتاسر کتاب، صداهاى متنوع نظریه سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد معاصر را ماهرانه گرد هم می‌آورد. گستره تحقیق او و همچنین توانایی‌اش در طراحی بحثی منسجم با استفاده از این آثار متعدد، بی‌آنکه از دقت پژوهشی تاریخی فروگذار کند، حیرت‌انگیز است. تحلیل او از اندیشه اسمیت و هگل و نحوه کاربرست آرایش‌شان به ما کمک می‌کند که مسائل کهن را از منظری نو و ثمربخش بنگریم.



*Notre Dame  
Philosophical Reviews*

	مقدمه مترجم
۹	سپاسگزاری
۱۳	مخفف آثار اسمیت و هگل
۱۷	
۲۱	[۱] مقدمه: در جست وجوی «بازار»
۴۵	[۲] تفسیر اسمیت از بازار: تدابیر هوشمندانه طبیعت
۷۱	[۳] تفسیر هگل از بازار: «ماترک وضعیت طبیعی»
۹۵	[۴] خود در بازار: هویت و اجتماع
۱۲۳	[۵] عدالت در بازار
۱۶۳	[۶] آزادی، آزادی‌ها و بازار
۱۹۹	[۷] بازار در تاریخ
۲۱۹	پی‌نوشت‌ها
۳۰۱	کتابنامه
۳۳۳	واژه‌نامه
۳۳۷	نمایه





## مقدمه مترجم

مسئله عدالت اجتماعی و مسائل مرتبط با آن، از قبیل پرسش از حدود مداخله دولت در عرصه آزادی‌های اقتصادی، از مسائل چالش‌برانگیز در ساحت زندگی اجتماعی انسان است که در محافل علمی نیز همچنان نزاع بر سر آن ادامه دارد. ترجمه کتاب حاضر بخشی از طرح وسیع‌تر نویسنده این سطور است که می‌توان به تعبیری صریح و ساده آن را تحقیقی فلسفی درباره عدالت اجتماعی نامید. پرسش از عدالت اجتماعی نخست در مواجهه با مسائلی انضمامی همچون فقر و نابرابری در ذهن من شکل گرفت و، پس از آشنایی با نظریه‌های عدالت در فلسفه سیاسی قرن بیستم، به مسئله‌ای فلسفی تبدیل شد. کتاب حاضر یکی از عناوین مجموعه‌ای چهارجلدی است، مجموعه‌ای که با هدف آشنایی با ادبیات موضوع عدالت توزیعی تنظیم شده است. البته، در میان این آثار، این کتاب درون‌مایه‌ای تاحدی متفاوت دارد. سه کتاب دیگر هر یک به‌گونه‌ای به مباحث عدالت توزیعی در متن فلسفه سیاسی معاصر می‌پردازند، درحالی‌که اولاً موضوع این کتاب مستقیماً ناظر به عدالت توزیعی نیست و ثانیاً نمی‌توان آن را کتابی درباره فلسفه معاصر دانست. در ادامه می‌کوشم طرح کلی این مجموعه و جایگاه کتاب حاضر در آن را اجمالاً توضیح دهم.

گرچه پرسش از عدالت اجتماعی در نگاه نخست پرسشی کهن به نظر می‌آید، هیچ‌گاه این مسئله به اندازه پنجاه سال اخیر در محافل علمی، و به‌طور خاص در میان اهل فلسفه، مورد توجه و موضوع مناقشه نبوده است. طرح صریح و تفصیلی مسئله عدالت اجتماعی مشخصاً با انتشار کتاب نظریه‌ای در باب عدالت جان رالز در سال ۱۹۷۱ شکل گرفت و از آن زمان تا به امروز این مسئله و پرسش‌های ذیل آن یکی از مهم‌ترین و شاید بتوان گفت مهم‌ترین مسئله در سنت فلسفه سیاسی معاصر بوده است.

اگر عدالت اجتماعی را همواره در پیوند با گونه‌ای برابری در توزیع امکانات مادی بدانیم، لازم می‌آید که مسئله عدالت اجتماعی همواره با مداخله دولت در پیوند باشد، مداخله‌ای که آزادی‌های اقتصادی را تحدید می‌کند تا از فقر و نابرابری بکاهد. و از آنجاکه مهم‌ترین عرصه ظهور آزادی‌های اقتصادی بازار آزاد است، پرسش از عدالت در نسبتی مستقیم با میزان مداخله دولت در بازار آزاد و مهم‌تر از آن، خوش‌بینی یا بدبینی نسبت به توابع توزیعی بازار آزاد قرار می‌گیرد. از این رو پرسش از نظم بازار آزاد نیز می‌تواند موضوع تأملی فلسفی باشد.

البته این پرسش از دو جنبه توصیفی و هنجاری قابل طرح است. در ساحت هنجاری، این پرسش در قالب دوگانه زیر بیان می‌شود: آیا مداخله دولت در عرصه آزادی‌های اقتصادی مشروع است یا یگانه امر مشروع بازار آزاد و مناسبات آن است؟ به عبارت دیگر، این پرسش هنجاری پرسش از این است که آیا مشروع است که دولت وظیفه برقراری عدالت اجتماعی به معنای مذکور را به عهده بگیرد.

اما در ساحت توصیفی، نسبت میان عدالت اجتماعی و بازار را می‌توان به صورت زیر بیان کرد: آیا تحقق عدالت اجتماعی با پذیرش مناسبات بازار آزاد امکان‌پذیر است و، با پذیرش اینکه تمام آحاد جامعه باید حداقلی از امکانات مادی را داشته باشند، آیا می‌توان تضمین این حق را به بازار آزاد واگذار نمود؟ این پرسش توصیفی از منظر نظریه‌های عدالت اجتماعی از آن حیث اهمیت دارد که، در مرحله اعمال اصول عدالت و تعیین نظام اقتصادی مطلوب، یکی از پرسش‌های جدی پرسش از بازار آزاد و حدود به رسمیت شناختن سازوکارهای آن است.

پاسخ‌دادن به پرسش دوم در گرو دریافتی فلسفی از نظم بازار آزاد و ماهیت این پدیده است و این کتاب کوششی است برای پاسخ به این پرسش با رجوع به آثار دو تن از متفکران کلاسیک این عرصه: هگل و اسمیت. نویسنده در این کتاب می‌کوشد ماهیت بازار آزاد را در آثار این دو متفکر ردیابی کند و نشان دهد که درک این دو از نظم بازار آزاد به دریافتی فلسفی از ماهیت این پدیده تبدیل می‌شود.

اگر همچون اسمیت نگاهی خوش‌بینانه به نظم بازار آزاد داشته باشیم، بسیاری از الزامات هنجاری یک نظریه عدالت برابری‌گرا را با کمترین مداخله دولت تحقق‌پذیر

خواهیم دانست و به این ترتیب می‌پذیریم که، به منظور تحقق عدالت اجتماعی، می‌توان به مداخلهٔ حداقلی دولت بسنده کرد و در عوض تا جای ممکن تن به سازوکارهای توزیعی بازار آزاد داد. نقطهٔ مقابل این رویکرد نگرش هگلی است که بازار آزاد را پدیده‌ای آشوبناک و کمتر قابل پیش‌بینی ترسیم می‌کند و تحققِ دریافتیِ برابری‌گرا از عدالت را مستلزم مداخلهٔ قدرتمندانه و حداکثری دولت در حوزهٔ آزادی‌های اقتصادی می‌داند.

از این رو، با توجه به پیوند موضوع این کتاب با بحث عدالت اجتماعی در سطح نهادی، ترجمهٔ آن برای مجموعهٔ عدالت توزیعی نشر ترجمان علوم انسانی در دستور کار قرار گرفت. علاوه بر این پیوند محتوایی، رجوع به آثار دو متفکر مشهور کلاسیک، و نیز توجه به این اثر در محافل دانشگاهی، جذابیت و اهمیت ترجمهٔ آن را دوچندان می‌نمود. امید است که این اثر در کنار دیگر آثار این مجموعه بتواند در معرفی ادبیات وسیع بحث عدالت اجتماعی و نیز سنت فلسفهٔ سیاسی معاصر مؤثر واقع شود.

\*\*\*

در پایان بر خود لازم می‌دانم مراتب تقدیر خویش را از تمامی کسانی که در طی مسیر این ترجمه مرا همراهی نمودند اعلام دارم، گرچه ذکر نام همهٔ ایشان در این مجال ممکن نیست. به ویژه از همسر عزیزم به جهت کمک به تطبیق و بازبینی کل متن ترجمه و سرکار خانم فاطمه وزیری و جناب آقای علیرضا شفیعی نسب، سرویراستار و ویراستار دقیق‌النظر این اثر که متن را مجدداً مقابله و ویرایش کردند، و همچنین آقایان محمد مهدی پور و علی کریمی که مدیریت فرایند تولید را بر عهده داشتند، صمیمانه سپاسگزارم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

مصطفی زالی، مرداد ۱۴۰۲



## سپاسگزاری

این کتاب مبتنی بر رسالهٔ دکترای من است که آن را در دانشگاه آکسفورد و در فاصلهٔ سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ نوشتم. می‌خواهم از همهٔ کسانی که طی این فرایند از من پشتیبانی کردند و بدون یاری‌شان این کتاب هرگز نگاشته نمی‌شد تشکر کنم.

من کار دکترای خود را تحت راهنمایی آلن رایان آغاز کردم، کسی که به من کمک کرد دورهٔ دکترای تخصصی را آغاز نمایم و هرگاه نیاز داشتم، با خوش‌قلبی ای زائد‌الوصف، حامی من بود. وقتی آلن رایان آکسفورد را به مقصد پریستون ترک کرد، مارک فیلیپ راهنمای من شد. مارک هم پشتیبان من بود و هم صریح و البته سازنده کار من را نقد می‌کرد. من از بابت داشتن این دو راهنمای فوق‌العاده عمیقاً خرسندم. از دیگر اعضای هیئت‌علمی که از مشورت آن‌ها بهره‌برده‌ام و باید آن‌ها را سپاس گویم می‌توانم به الیزابت فریزر، میشل فریدن، کریس بروک، مارک استیرز و استوارت وایت اشاره کنم. میشل فریدن و دادلی نولز داوران دورهٔ دکترای من بودند که دوست دارم، به جهت تشویق، کمک و پشتیبانی در تهیهٔ طرح‌نامه‌ای برای کتاب و رساندن نسخهٔ اولیه به مرحلهٔ نهایی، مراتب سپاس خاص خویش را نسبت به آن‌ها ابراز دارم.

من در آکسفورد به‌عنوان دانشجوی بورسیهٔ رودز تحصیل کردم و می‌خواهم به‌گرمی از متصدیان خانهٔ رودز، سر کولین لوکاس و دُن مارکول، و کارمندان متعهد ایشان و به‌طور خاص ماری ایتون و کترین کینگ برای کمک و پشتیبانی‌شان تشکر نمایم. همچنین می‌خواهم از بنیاد مطالعاتی مردم آلمان<sup>۱</sup> برای پشتیبانی از من طی سال آخر دورهٔ دکترای

---

1. *Studienstiftung des deutschen Volkes*

تخصصی تقدیر نمایم. سپاس‌های ویژه خود را نثار کارمندان نیوکالج و گروه سیاست و روابط بین‌الملل می‌کنم که در امور اداری دوره دکترای تخصصی کمکم کردند.

از دانشجویان تحصیلات تکمیلی گروه سیاست و روابط بین‌الملل میدل کامن روم نیوکالج و نیز سایر بخش‌های دانشگاه، هم در زمینه فلسفه و هم در سایر زمینه‌ها، چیزهای بسیاری آموختم، افرادی چون آنجلا کومینه، باربارا گونزالز، بوژیل هریستوف، دانا میلز، ینس اُسن، سباستین اشتاین و کاترینا اول. به این گروه باید هم قطارانم در دوره پسادکتررا نیز اضافه کنم، یعنی رایدر مالیک، لی پپی و جان فیلینگ. می‌خواهم از ادوارد کانترین و میشل اینوود در کالج ترینیتی به خاطر بحث‌ها و پشتیبانی بی‌دریغشان تشکر نمایم. در کنفرانس «جلوه‌های مختلف هگل‌گرایی»، رابرت هریس و کیت کندی رفقای عالی و، از آن مهم‌تر، کمک‌رسان‌هایی محشر بودند.

با این همه، اگر گاه‌به‌گاه فراغتی از فلسفه حاصل نمی‌شد، به سختی می‌توانستم آرامش و حضور ذهن لازم برای نوشتن رساله را مهیا کنم؛ مشخصاً از حضور در دفتر پرنشاط جامعه موسیقی در آکسفورد و مونیخ لذت بردم و می‌خواهم از جسیکا لایت، دیوید متیوز، لینا وِن، آنیا یرماکووا، نادینه لوین، امانوئل ویباون، و فرانک و آنته فان دلف، و نیز نیوکالج ارکسترا و هرتفرد بروکنر ارکسترا و به‌طور خاص پاول کونز به خاطر چندین و چند ساعت تمرین و کنسرت‌های فوق‌العاده در اتاق‌های موسیقی و کلیساهای آکسفورد تشکر کنم، همین‌طور از ارنست روث به خاطر ساعات بسیاری که در مونیخ با هم هم‌نوازی کردیم. گریزی دیگر، اگر نه از فلسفه، حداقل از نگارش رساله‌ام، ناهارهای هفتگی با آنجلا متیوز و باربارا وتر و سیلویا یوناس بود، گذران این ساعات با آن‌ها حمایتی ارزشمند بود و به این سه نفر دین بسیاری دارم.

شمولی نیلی، کریستینه براتو، میشل پیلس، سباستین اشنایدر، گاری برونینگ، اکسل هونت، یوهانس برگر، مارتین رشناوئر، کارین دی بوئر، لودویگ زیپ و مایکل اینوود در مراحل مختلف کارم توضیحاتی دربارهٔ پاره‌ها و قطعات مختلف نسخهٔ پیش‌نویس دادند. به‌طور خاص اریک شلیسر توجه من را به قطعات مهمی از پژوهش‌های اسمیت جلب کرد. می‌خواهم از دیوید کارگنلو، ویوین براون، جک واینشتاین، آلبرت شرام، جولیا هرمان، جیمز اتسن، فونا فرمن-بارزیلای و مخاطبان کنفرانس‌های کوااسلی، ینا،

فرانکفورت، اشتوتگارت و تولوز و سمینارهای آکسفورد و مونیخ برای بحث‌های مفیدمان تشکر نمایم. به‌طور خاص از «دورهٔ پیشرفتهٔ فلسفه» با اکسل هونت در سپتامبر ۲۰۱۰ که مؤسسهٔ تحقیقاتی فلسفهٔ هانوفر بانی آن بود بهره بردم و می‌خواهم دین عمیق خویش را به برگزارکنندگان و حاضران این کنفرانس و به‌طور خاص خود اکسل هونت ابراز نمایم.

جاکیندا اسوانسن، راکل لازرو و کیمبرلی براونلی سرخ‌های مهم دیگری در ادبیات بحث به من دادند؛ براونلی علاوه بر این دوست و مرشدی استثنایی هم بود. بخش‌هایی از متن حاضر پیش‌تر در قالب مقاله منتشر شده است و می‌خواهم از منتقدان و ویراستاران این مجلات برای توضیحات و کمک‌شان سپاسگزاری نمایم. از سه داور ناشناس انتشارات دانشگاه آکسفورد که نسخهٔ اولیه را بررسی کردند به‌طور ویژه سپاسگزارم.

مهارت‌های زبان‌شناسانهٔ جان مارگارت برای به‌پایان رساندن نسخهٔ اولیه ارزشمند بود و می‌خواهم عمیق‌ترین سپاس خویش را به جهت وقت و توجه باورنکردنی‌ای که به نسخهٔ اولیه کار من اختصاص داد به او ابراز نمایم.

من نسخهٔ نهایی نوشتار اولیه را در خلال کار در دانشگاه صنعتی مونیخ و دانشگاه سنت گالن بازبینی کردم و می‌خواهم از همکاران فوق‌العاده‌ام بابت مباحث الهام‌بخش و تشویق‌شان تشکر نمایم. دومینیک بیات، الیزابت سوفلینگ، اما بوث، کارلا هاج، ماری رُز فلورس و سوزان فرامپتن طی فرایند بازبینی و تولید انتشارات دانشگاه آکسفورد بسیار مددکار و حامی بودند. از آن‌ها بسیار سپاسگزارم.

محتوای زیر پیش‌تر در قالب مکتوب منتشر شد و می‌خواهم از ناشران برای اجازهٔ چاپ مجدد آن تشکر نمایم.

نسخهٔ اولیه‌ای از فصل چهار با عنوان «Wer sind wir, wenn wir arbeiten» در *Deutsche Zeitschrift für Philosophie* 59 (6) (2011), 835–52 منتشر شد.

نسخهٔ اولیه‌ای از فصل ششم با عنوان «Free Selves in Free Markets? Negative and Positive» در مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی هگل، اشتوتگارت، ۲۰۱۱، ویراستهٔ اکسل هونت و گونار هیندریکس به شکل مکتوب منتشر خواهد شد.

می‌خواهم از انتشارات دانشگاه آکسفورد نیز برای اجازه استفاده از فقراتی از ویرایش‌های آثار اسمیت و هگل تشکر کنم. قدردانی و محبت من به همسر و خانواده‌ام فراتر از آن است که بتواند به شکلی مناسب در بخش سپاسگزاری یک کتاب آکادمیک بیان شود، اما امیدوارم آن‌ها این را بدانند.



# مخفف آثار اسمیت و هگل

## آثار آدام اسمیت

The Glasgow Edition of *The Works and Correspondence of Adam Smith*. Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1976–1983. (Used by permission of Oxford University Press, Inc.)

ED ‘Early Draft of Part of The Wealth of Nations’, in Volume 5: *Lectures on Jurisprudence*, edited by R. L. Meek, D. D. Raphael, and P. G. Stein. Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1978, 562–682, cited by section and paragraph.

HA ‘The Principles which Lead and Direct Philosophical Enquires, Illustrated by the History of Astronomy’. Volume 3: *Essays on Philosophical Subjects*, edited by W. P. D. Wightman and J. C. Bryce, with Dugald Stewart’s ‘Account of Adam Smith’, edited by I. S. Ross, Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1980, 31–106, cited by section and paragraph.

Lectures or LJ: Volume 5: *Lectures on Jurisprudence*, edited by R. L. Meek, D. D. Raphael, and P. G. Stein. Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1978, cited by page number. LJ(A) refers to the report of 1762–63; LJ(B) to the report dated 1766.

Corr.: Volume 6: *Correspondence*, edited by E. C. Mossner and I. S. Ross. Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1987, cited by the number of the letter.

LRBL: Volume 4: *Lectures on Rhetoric and Belles Lettres*, edited by J. C. Bryce. Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1983.

Theory or TMS: Volume 1: *The Theory of Moral Sentiments*, edited by D. D. Raphael and A. L. Macfie. Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1976, cited by book, chapter, section, and paragraph.

Wealth or WN: Volume 2: *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations* (2 vols.), edited by R. H. Campbell and A. S. Skinner; textual editor W. B. Todd. Oxford: Clarendon Press; New York: Oxford University Press, 1976, cited by book, chapter, section, and paragraph.

## آثار گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

### آثار منتشرشده در زمان حیات هگل

PS *Phenomenology of Spirit*, translated by A. V. Miller with analysis of the text and foreword by J. N. Findlay. Oxford: Clarendon Press, 1977, cited by paragraph numbers according to the Miller edition.

Enc *Logic* (Part I of the *Encyclopedia of the Philosophical Sciences*), translated by William Wallace with foreword by J. N. Findlay. Oxford: Clarendon Press, 1975.

*Philosophy of Nature* (Part II of the *Encyclopedia of the Philosophical Sciences*), translated by A. V. Miller with foreword by J. N. Findlay. Oxford: Clarendon Press, 1970.

*Philosophy of Mind* (Part III of the *Encyclopedia of the Philosophical Sciences*), translated by William Wallace, together with the *Zusätze* in Boumann's 1845 edition, translated by A. V. Miller and with foreword by J. N. Findlay. Oxford: Clarendon Press, 1971. Quoted by paragraph, 'Z' marks quotations from the 'Zusätze'.

PR *Philosophy of Right*, translated with notes by T. M. Knox. Oxford: Clarendon Press, 1942, quoted by paragraph. 'Z' marks quotations from the 'Zusätze' added by Eduard Gans. This translation has been checked against *Elements of the Philosophy of Right*, translated by H. B. Nisket, edited by Allen W. Wood. Cambridge: Cambridge University Press. Some minor changes have been made. (Used by permission of Oxford University Press, Inc.)

*Hegel's Political Writings*, translated by T. M. Knox. Oxford: Clarendon Press, 1964, quoted by page number.

### نسخه‌های دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌های درس‌گفتارها

Griesheim: Ilting, Karl-Heinz, *G. W. F. Hegel, Vorlesungen über Rechtsphilosophie* 1818-1831. *Vierter Band*. edited by Karl-Heinz Ilting. Stuttgart-Bad Cannstatt:

- Frommann-holzboog, 1974. This volume includes the lecture notes by K. G. v. Griesheim 1824/25.
- Hotho: Ilting, Karl-Heinz, *G. W. F. Hegel, Vorlesungen über Rechtsphilosophie 1818-1831. Dritter Band. Nach der Vorlesungsmitschrift von H.G. Hotho 1822/2* edited by Karl-Heinz Ilting. Stuttgart-Bad Cannstatt: Frommann-holzboog, 1974.
- Jenenser Realphilosophie I: *Hegel, G. W. F., System of Ethical Life and First Philosophy of Spirit* [Jena 1802, 1803-4], edited and translated by Henry Silton Harris and Thomas Malcolm Knox. Albany, New York: State University of New York Press, 1979.
- Jenenser Realphilosophie II: *Hegel, G. W. F., Hegel and the Human Spirit: A Translation of the Jena Lectures on the Philosophy of Spirit (1805-6) with Commentary*, edited and translated by Leo Rauch. Detroit: Wayne State University Press, 1983.
- PH (Sibree): Hegel, G. W. F., *The Philosophy of History*, translated by J. Sibree. New York: Dover, 1956.
- PH (Nisbet): Hegel, G. W. F., *Lectures on the Philosophy of World History. Introduction*, translated by H. B. Nisbet with an introduction by Duncan Forbes. Cambridge: Cambridge University Press, 1975.



[۱]

## مقدمه: در جست وجوی «بازار»

### ۱،۱ مقدمه

اگر بخواهید «بازار» را ببینید به کجا می‌روید؟ به وال استریت می‌روید و ساختمان‌های تجاری‌اش را می‌بینید؟ به یکشنبه‌بازارهای کشاورزان محلی می‌روید؟ یا به نمایشگاه استخدام، جایی که شرکت‌های بزرگ و فارغ‌التحصیلان «پراستعداد» به دنبال جلب نظر همدیگر هستند؟ یا به حراج‌های مشهور ماهی در توکیو؟ یا سراغ اینترنت می‌روید و ارقام عرضه و تقاضای تجمیعی، تولید و مصرف، و نرخ‌های ارز و تجارت خارجی را در آن جست‌وجو می‌کنید؟

همه این‌ها نمونه‌ها و جنبه‌هایی از «بازارها» هستند، اما وقتی درباره «بازار» سخن می‌گوییم، مقصودمان چیزی بیش از این است. ما نظامی پیچیده را مراد می‌کنیم که در آن مردم خرید و فروش می‌کنند و پول، محصولات، کار، زمان و توانمندی‌هایشان را ردوبدل می‌کنند. همه ما نیز هرروزه در قالب نقش‌هایی از قبیل کارگر، مشتری و سرمایه‌گذار در این نظام مشارکت می‌کنیم. چنان‌که آدام اسمیت بیش از دوست سال پیش گفت، در جامعه پساتودالی «هر انسان... از طریق مبادله زندگی می‌کند یا کم‌وبیش به تاجر تبدیل می‌شود».

جوامع ما کم‌وبیش به «جوامع بازاری»<sup>۱</sup> تبدیل شده‌اند، جوامعی چندپاره<sup>۲</sup> که قلمرو اقتصادی‌شان را حقوق مالکیت فردی، تعقیب منفعت شخصی<sup>۳</sup>، کارِ شدیداً تقسیم شده و وابستگی متقابل پیچیده مشخص می‌کند. قلمرو اقتصادی این جوامع بازاری «اقتصاد بازار» است که مطابق با قوانین و اصول خود عمل می‌کند، نه بر مبنای روابط اجتماعی دیگر. اگرچه جوامع بازاری می‌توانند صورت‌های سیاسی متعددی به خود بگیرند، برخی ساختارهای سیاسی معین - به‌طور خاص حاکمیت قانون - برای فراگیر شدن بازارها ضرورت دارند و قلمرو سیاسی هم متقابلاً از بازارها و مشخصاً از بازارهای مالی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین جوامع ما چهره<sup>۴</sup> کلی خود را تا حدی از وجود بازار می‌گیرند. حضور بازار تأثیری عمیق و پایدار بر زندگی‌های ما و خوشبختی مادی مان داشته است؛ علاوه بر این، روابط اجتماعی ما و شیوه وقت‌گذرانی مان و مفاهیمی که برای توصیف موفقیت و شکست به کار می‌گیریم نیز همین‌گونه است.

استعاره‌های مختلفی برای توصیف بازار به کار رفته است. برخی بازار را هیولا و غریبه‌ای می‌دانند که مانند کروئوس فرزندان خویش را می‌بلعد؛ برخی آن را ماشین عظیمی می‌دانند که کالا را از مکانی به مکانی دیگر منتقل می‌کند، تصویری یادآور ماشین‌آلات صنعتی مجهز به لوله‌های متعدد و تسمه‌های انتقال؛ برای برخی دیگر، بازار جنگلی داروینستی است که در آن تنها سازگارترین‌ها باقی می‌مانند؛ و دیگرانی هم هستند که بازار را همچون رویدادی ورزشی می‌دانند که در آن، به واسطه طراحی خیرخواهانه و حیرت‌انگیز قواعد بازی، نه‌تنها تیم برنده، که هر کس دیگری نیز نفع می‌برد.

این استعاره‌ها و نظریات نهفته در آن‌ها محصول نظرورزی اندیشمندان حوزه‌های متنوعی است. بازار و آثار آن بر افراد و جوامع را فیلسوفان، روان‌شناسان، مورخان و رمان‌نویسان توصیف کرده‌اند. البته بیش از همه اقتصاددانان درگیر بازارها بوده‌اند. هرچند تعریف اقتصاد به‌مثابه علم به‌خودی‌خود امری مناقشه‌برانگیز است، با این حال آنچه با قطعیت می‌توان گفت این است که بازارها و ساختارشان در بطن این تعریف قرار دارند.

- 
1. market society
  2. differentiated
  3. self-interest
  4. character

بخش عمده‌ای از اقتصاد مدرن به تقلید از فیزیک پیشا-نسبیت شکل گرفته و با مدل‌های انتزاعی مبتنی بر ریاضیات کار می‌کند. تمرکز اصلی آن بر مسئله «کارایی»<sup>۱</sup> است و بازار هم معمولاً به‌عنوان تشکیلاتی سازمانی که به پیامدهای سودمند می‌انجامد معرفی می‌شود. در مدل‌های مندرج در کتاب‌های درسی پایه، غالباً بازارها را همچون دو خط متقاطع یا نوعی منحنی تصویر می‌کنند که در «نقطه تعادل»<sup>۲</sup> بیشینه می‌شوند. در رویکردهای پیشرفته‌تر، مدل‌سازی وابستگی متقابل بازارهای مختلف با استفاده از معادلات ریاضی پیچیده‌ای صورت می‌گیرد که به کمک اطلاعات پیشین مندرج شده‌اند. اما بحران مالی سال ۲۰۰۸ نشان داده است که این روش مدل‌سازی محدودیت‌های ذاتی خود را دارد: فقط اندکی از اقتصاددانان پیش از آنکه کار از کار بگذرد تشخیص دادند که در بازارهای مالی و مسکن آمریکا اشکالی وجود دارد. مفسران خواهان تحولی بنیادین در شیوه مدل‌سازی پدیده‌های پیچیده اقتصادی هستند، اما نزاع میان جریان غالب<sup>۳</sup> و این تحول‌خواهان هنوز در جریان است. دیگر مکاتب - که به آن‌ها دگران‌دیش<sup>۴</sup> می‌گویند- مانند اقتصاددانان اتریشی، جامعه‌اقتصاددانان<sup>۵</sup> یا اقتصاددانان فمینیست بسیاری از این مدل‌های صوری را نقد کردند و بر وضعیت‌های تعادل متمرکز شدند. این مکاتب دگران‌دیش تصاویر آشفته‌تری را برای توصیف بازار به کار می‌برند و اغلب، در قیاس با جریان غالب، بیشتر منتقد آن بوده‌اند. با وجود این، تاکنون نتوانسته‌اند تأثیری عمومی بگذارند بر اینکه اقتصاد را چگونه درک کنیم و بدان بیندیشیم و چگونه از آن در توصیه‌های مربوط به سیاست‌های عمومی بهره‌بریم. با وجود این بسیاری از پرسش‌ها پیرامون بازارها در قلمرو رشته اقتصاد پاسخ داده نمی‌شوند. بسیاری از جنبه‌های جذاب بازارها - مثلاً سرشت عملیات اقتصادی، تأثیر بازار بر روابط اجتماعی، یا تأثیر آن بر درک ما از آزادی - در پس مفروضات مدل‌های اقتصادی پنهان‌اند و زمانی که اقتصاددانان با آن مدل‌ها کار می‌کنند آن‌ها را مسلم می‌گیرند. اغلب لازم است حجم زیادی از اصطلاحات دشوار و فنی به زبان روزمره ترجمه شوند تا این مفروضات ضمنی آشکار شوند. و البته تعجب‌برانگیز هم نیست، چراکه این مدل‌ها برای

1. efficiency

2. equilibrium point

3. mainstream

4. heterodox

5. Socioeconomists

پاسخ‌دهی به نوع دیگری از پرسش‌ها ساخته شده‌اند. بسیاری از اقتصاددانان، با ارجاع به تقسیم کار آکادمیک و با توجه به درکی که خود از اقتصاد دارند، یعنی آن را علمی متفاوت با دیگر علوم اجتماعی و فلسفه می‌دانند، مسئولیت پاسخ به پرسش‌های «فلسفی» تر را به دیگر مکاتب حوزه اندیشه محول کرده‌اند، البته اگر مشروعیت آن‌ها را اصلاً به رسمیت بشناسند. برای پرسش‌های عمیق‌تر درباره معنای بازار و تأثیر آن بر زندگی‌هایمان - مثلاً درباره جنبه «اگزیستانسیال» آن - لازم است به رشته‌های دیگر رجوع کنیم.<sup>۳۰</sup>

بحث درباره این پرسش‌ها از منظر فلسفه سیاسی بسیار راهگشا خواهد بود.<sup>۳۱</sup> مساهمت فلسفه سیاسی مشخصاً زمانی لازم به نظر می‌رسد که کسی به پرسش‌های توصیفی بسنده نکند و پرسش‌هایی هنجاری با این مضمون طرح نماید که بازارها باید چگونه باشند و نسبت ما با آن‌ها باید چگونه باشد. بازارها صرفاً جنبه‌ای از زندگی‌های شخصی فردی نیستند، بلکه پدیده‌هایی اجتماعی‌اند. آن‌ها در دل ساختاری از قوانین و نهادها، همچون حقوق مالکیت و نظام قضایی، عمل می‌کنند که مشغله اصلی فیلسوفان سیاسی است.<sup>۳۲</sup> آن‌ها بر بسیاری از پرسش‌های سیاسی از جمله تحقق ایدئال‌هایی چون برابری، عدالت و آزادی اثرگذارند. پس کاملاً طبیعی است که انتظار داشته باشیم نظریه‌پردازان سیاسی درباره بازار حرفی برای گفتن داشته باشند و حرف‌هایشان هم مبتنی بر نظریات اقتصاددانان باشد، هم حاصل تلفیق این نظریات با بینش‌های روان‌شناسان یا جامعه‌شناسانی که جنبه‌هایی دیگر از جهان اقتصادی را می‌کاوند.

اما بازار نقش برجسته‌ای در نظریه سیاسی دهه‌های اخیر ایفا نکرده است. این مسئله شاید نتیجه پاره‌ای مفروضات درباره وظایف فلسفه سیاسی و سرشت بازار باشد. جان رالز در مطالعه پیشروانه خود، نظریه‌ای در باب عدالت، وظیفه فلسفه سیاسی را پرداختن به «ساختار بنیادین»<sup>۱</sup> جامعه تعریف می‌کند. این «ساختار بنیادین» مربوط به چهارچوب نهادی است که بازارها در آن عمل می‌کنند. در جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، ساختار بنیادین تضمین می‌کند که نتایج توزیعی اقتصاد با اصول عدالت منطبق باشد: توزیع برابر آزادی‌ها و فرصت‌ها و «اصل تمایز» که بیان می‌کند نابرابری‌ها باید منجر به



بیشترین نفع برای کم‌برخوردارترین اعضای جامعه شوند.<sup>۷</sup> بنابراین این نهادهای پیرامونی، که بازارها به خودی خود قرابت چندانی با آن‌ها ندارند، در مرکز توجه قرار می‌گیرند. فرضی پنهان که در اینجا ساخته می‌شود، و مسلماً بسیاری از نظریه‌پردازان پس-رائزی در آن شریک‌اند، آن است که موضوع بازارها به معنای دقیق کلمه موضوعی هنجاری نیست و اینکه بازارها «نظامی»<sup>۸</sup> را می‌سازند که نتایج توزیعی آن با همان قواعدی که آن را محدود می‌کند معین می‌شود. اما اگر تمام آنچه دربارهٔ بازارها موضوعیت دارد پیامد توزیعی آن‌هاست، کاملاً قابل فهم است که خودشان یا تصویری که از آن‌ها وجود دارد نیاز به توجه خاصی از نقطه نظر هنجاری نداشته باشند و صرفاً در انتزاعی‌ترین سطح مورد اشاره باشند. دیوید گوتیر، فیلسوفی در سنت قراردادگرا، تا آنجا پیش می‌رود که از بازار همچون قلمرویی «اخلاقاً آزاد» سخن بگوید و مدعی شود که نیاز به اخلاق دقیقاً از آنجا نشئت می‌گیرد که جهان بازاری تماماً رقابتی نیست.<sup>۹</sup> درحالی‌که این ادعای افراطی به فهم نو-هیومی او از اخلاق وابسته است، به نظر می‌رسد این پیش فرض که نظریهٔ سیاسی نه بازار، بلکه نهادهای پیرامونی آن را مد نظر قرار می‌دهد بسیار شایع است. عموماً بازار به عنوان «دیگری»<sup>۱۰</sup> شبیح‌آلود نهادهایی به نظر می‌رسد که نظریه‌های سیاسی بر آن‌ها تمرکز دارند، یعنی همچون چیزی که باید رام و محدودش کرد، ولی نباید از آن مسئله ساخت.<sup>۱۱</sup>

نظریه‌پردازان کثرت‌گرای عدالت مانند مایکل والزر<sup>۱۲</sup> و دیوید میلر<sup>۱۳</sup>، در تقابل با جریان غالب، بازار را همچون یک قلمرو اجتماعی در میان کثرتی از قلمروهای دیگر توصیف می‌کنند که در آن مواهبی خاص خلق، تولید و مطابق با اصول آن توزیع می‌شود. برای مثال، میلر از اصل شایستگی<sup>۱۴</sup> به عنوان اصل عدالت برای بازار کار دفاع می‌کند.<sup>۱۵</sup> باوجود این، محور تمرکز نظریهٔ او و، علاوه بر آن، قلمروهای عدالت<sup>۱۶</sup> والزر بازار نیست، بلکه پرسش از محدودیت‌های بازار است - چیزی که والزر «مبادلات ممنوع»<sup>۱۷</sup> می‌نامد.<sup>۱۸</sup> اصل مبادله که بر بازار حاکم است نباید بر سایر قلمروها هم حاکم شود، «چنان‌که اخلاق بازار به بازار و فقط به آنجا تعلق دارد»<sup>۱۹</sup>. پرسش از محدودیت‌های بازار را در واقع تعدادی از متفکران

1. David Gauthier

2. Michael Walzer

3. David Miller

4. desert

5. *Spheres of Justice*

6. blocked exchanges

همچون الیزابت اندرسون<sup>۱</sup>، مایکل سندل<sup>۲</sup> و دبرا ساتز<sup>۳</sup> در دهه‌های گذشته مطرح کرده‌اند. آن‌ها این پرسش را مطرح می‌کنند که برای مثال آیا دایگی<sup>۱</sup>، اندام‌های انسان یا خدمت نظامی باید در بازارها «به کالا تبدیل شوند»<sup>۲</sup>. اگر برای پاسخ به این پرسش‌ها سراغ کتاب‌های درسی اقتصاد خرد یا شماره جدید نشریهٔ اکونومتریکا<sup>۳</sup> برویم، چیز چندانی دستگیرمان نمی‌شود، بلکه بحثی اصالتاً فلسفی مورد نیاز است.

اما اهمیت مسئلهٔ بازارها صرفاً منحصر در این نیست. آموزهٔ اصلی پژوهش حاضر این است که نحوهٔ تلقی ما از بازار - مثلاً همچون هیولا یا ماشین، جنگل یا زمین مسابقه - در فلسفهٔ سیاسی صرفاً بحثی حاشیه‌ای نیست، بلکه از موضوعات اصلی این حوزه است. برای مرئی ساختن این تأثیر نیازی نیست که بازارها را با رویکردی تکنیکی بکاویم. آنچه نیاز داریم توجهی فلسفی است که اهمیت بازار برای زندگی ما را در نظر بگیرد. این منظر نه تنها به پیشرفت بهتر نظریه‌های سیاسی کمک می‌کند و آن‌ها را به پرسش‌های زندگی واقعی نزدیک‌تر می‌سازد، که برای فهم بهتر از خودمان در مقام شهروندان جوامع بازاری نیز ضروری است، یعنی کسانی که مطابق بیان اسمیت «کم‌وبیش ... به تاجر» تبدیل شده‌اند. چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد اهمیت بازارها برای هویت ما، برای فهمان از عدالت و برای شیوه‌های آزاد بودن یا نبودن ما در بازار است.

این پرسش‌ها هیچ‌گاه به اندازهٔ امروز ضروری نبوده‌اند. بحران مالی سال ۲۰۰۸ آشکار ساخته است که تأثیر اقتصاد جهانی شده بر فرایندهای سیاسی و زندگی خصوصی شهروندان چقدر فراگیر شده است. پس از سقوط کمونیسیم، بحث چندانی دربارهٔ یک جایگزین تمام‌کمال برای سرمایه‌داری مطرح نمی‌شود. به نظر می‌رسد مجبوریم هرطور شده با بازار زندگی کنیم. اما همچنان طیف وسیعی از پرسش‌ها بی‌پاسخ می‌مانند، پرسش از اینکه دقیقاً چگونه باید با بازار زندگی کنیم و چگونه از پس تأثیرات آن بر جوامعمان برآیم. همان‌گونه که هم تاریخ اندیشه و هم تاریخ وقایع‌نگارانهٔ سرمایه‌داری نشان می‌دهند، سرمایه‌داری نظامی یکپارچه نیست، بلکه در شرایط مختلف صور و خصایص مختلفی

---

1. surrogate motherhood

2. commodified

3. *Econometrica*

به خود می‌گیرد - و بنابراین پاسخ دادن به این پرسش‌ها تاحدی به ما بستگی دارد. در مقام افراد و در مقام اجتماعات سیاسی لازم است تصمیم بگیریم چگونه با بازارها نسبت برقرار کنیم و چگونه ارزش‌های مختلف را با آن‌ها یا علیه آن‌ها محقق سازیم. برای تأمل درباره این امکانات، لازم است درباره تمامی جنبه‌های مختلف بازارها بحث کنیم و اهمیت و تأثیر آن‌ها را جدی بگیریم. بنابراین لازم است بازارها به دغدغه فیلسوفان سیاسی بدل شوند.

در چنین شرایطی، بازخوانی آثار کسانی که در سرآغاز جامعه بازاری درباره آن اندیشیده‌اند ثمربخش است، اندیشمندانی که نگرش‌هایشان نسبت به بازار هنوز هم بر زیست ما اثرگذارند، گاه در مقام برساخت‌های عقلانی و گاه به مثابه نهادها و رویه‌های نشئت‌گرفته از آن‌ها. کینز رذدانه می‌گفت «عمل‌گرایی که خود را از توصیه عقلایی نیاز می‌دانند عموماً برده اقتصاددانان تاریخ‌مصرف‌گذشته می‌شوند»<sup>۱۷</sup>. هنگامی که در بازارها مشغول به کاریم، درباره معنا و تأثیرات بازار تصوراتی مبهم داریم، و احتمالاً ایده‌های «اقتصاددانان تاریخ‌مصرف‌گذشته» تا حدی بخشی از این مجموعه تصورات شده‌اند. نظریه پردازان سیاسی که وظیفه‌شان آشکارساختن روش‌های اندیشیدن ما به جهان اجتماعی است از این خطر در امان نیستند.<sup>۱۸</sup> روشی خوب برای طرح این مسئله بازخوانی اندیشمندان سلفی است که ایده‌هایشان در شکل دادن مقولات، ایده‌ها و مفروضات فعلی ما مساهمت داشته است. مطالعه اندیشه آن‌ها «تاریخ برای خود تاریخ» نیست، بلکه کمک می‌کند تا بر زمانه خود پرتو افکنیم و به ما این امکان را می‌دهد تا با زمانه خود به طریقی عمیق‌تر و آگاهانه‌تر نسبت برقرار کنیم.

در این پژوهش تلاش کرده‌ام طرحی را دنبال کنم که، از منظر تطبیقی، تحلیلی از الگوهای جامعه بازاری آدم اسمیت از یک سو و گنورگ ویلهلم فریدریش هگل از سوی دیگر ارائه دهد. هر دو اندیشمند جزء بحث‌انگیزترین و غالباً بدعرضه‌شده‌ترین متفکرین ۲۵۰ سال گذشته‌اند. با وجود این، اگر کسی آثارشان را با دقت بخواند، از باریک‌اندیشی و غنای نگرش‌هایشان به بازار، معنای آن و نسبت آن با جامعه به مثابه یک کل لاجرم شگفت‌زده می‌شود. اسمیت و هگل مدل‌هایی اولیه از دو روش توصیف بازار شکل داده‌اند که تأثیرشان بر ما هنوز هم بسیار زیاد است. پژوهش جاری این دو رویکرد را مطالعه